

بیاد فواد طیری...  
مرگی دلخراش و دردناک در میدان مین.



"سفری دشخوار تلخ-

از دهلیزهای خم اندر خم و-

پیچ اندر پیچ ... " شاملو

سیاست این بود که فعالیت را به مناطق کرمانشان هم بکشانیم . مسیر این فعالیت از دامنه های رشته کوه "به مو" واقع در مرز ایران و عراق که منطقه جنگی آن سالها هم بود و مین گذاری شده ، میگذشت . وسعت میدان مین نامشخص بود . با مین یاب کاری نمیشد کرد . تنها راه ممکن برای عبور خود نفرات بود و راهنمای راه.

رفیق فواد طیری یکی از راهنما های راه و در واقع راهنمای اصلی این راه بود . راه مین.

در ابتدای کار چند رفیق بر سر این کار جان خود را از دست دادند و یا پای خود را.

غروب یکی از روزهای بهاری سال 63 ، تیمی با مسئولیت فواد طیری عازم رفتن به منطقه شد . هنوز ساعتی از مقر دور نشده ، در اثر تاریکی هوا و نامشخص بودن راه (در واقع راهی نبود.) و غفلتی کوتاه ، فواد و نفر پشت سرش (ناصر حیدری) در میدان مین قرار میگیرند . فواد بلافاصله متوجه خطر میشود و بقیه نفرات را از رفتن باز میدارد . به فاصله ای کوتاه او و ناصر در میدان مین قرار میگیرند و دیگران در آن طرف میدان.

فواد از ناصر و رفقای دیگر میخواهد که هیچ حرکتی نکنند تا آرام از این میدان که میدان مرگ است خارج شوند . لحظاتی بعد در اثر حرکتی اولین مین منفجر میشود . فواد که میخواهد به ناصر نزدیک شود و او را نجات دهد ، مین بعدی هم از جا کنده میشود . در اثر زخمی شدن تعادلشان به هم میخورد . در جابجایی های ناشی از درد و تلاش بی ثمرشان ، میدان انفجار مین بیشتر میشود.

غروب تمام است . شب به سیاهی میزند . در زمانی کوتاه که هیچ کاری نمیشود کرد و در مقابل دیدگان رفقای دیگر ، در آن سیاهی شب ، صدا ، صدای انفجار است و صدای دلخراش ناشی از درد و تلاش و حرکاتی که از میدان خارج شوند . بدن در اثر شدت انفجار ها بشدت ناتوان شده و عصب ها در هم و از هم گسیخته و دیدگانشان نابینا . با آخرین نفس هایشان زندگی را تمام میکنند.

++++

از چادر بیرون میایم . خبر دردناک واقعه را میشنویم . هوا گرفته و ابریست و "به مو" سخت و سنگین در مقابل ایستاده است . فواد روزی به من گفته بود که : میدانم من به وسیله مین کشته خواهم شد.

فواد طیری ، مبارزی صمیمی ، آرام ، خوش اخلاق و انسانی دوست داشتنی بود . لبخندی ملایم در هنگام صحبت به لب داشت . لبخند زندگی . از نوجوانی به میدان مبارزه در راه آزادی و سوسیالیسم کشیده شد . عمر کوتاهی کرد . همانند بسیاری از مبارزین.

یاد فواد طیری و رفیق همراهش ناصر حیدری گرامی و راهشان بردوام باد.

بهروز شادیمقدم

2015.6.7